

# دکتر رابرت ای. پترسون، مسیح‌شناسی، جلسه ۱۴، سیستماتیک، الوهیت مسیح، عبرانیان ۱، ۵ شواهد و سایر متون، ویژگی‌ها و آثار

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت پترسون هستم در تدریس خود در مورد مسیح‌شناسی. این جلسه شماره ۱۴، سیستماتیک الوهیت مسیح، عبرانیان ۱، ۵ اثبات و متون دیگر، ویژگی‌ها و اعمال است.

ما مطالعه خود را در مورد پنج اثبات تاریخی الوهیت مسیح ادامه می‌دهیم.

با ادامه، عیسی صفات خدا را دارد. ما تغییرناپذیری او را در عبرانیان ۱:۱۱ و ۱۲ دیدیم. من قطعاً به کتاب مقدس نیاز دارم.

و ما در یوحنا ۱، آیات ۱۴ و ۱۷ دیدیم که او سرشار از فیض و حقیقت بود. این مفهوم عهد عتیق از آیاتی مانند مزمور ۱۱۷، خروج ۳۴، از «حسید و مت»، مهربانی و وفاداری مبتنی بر عهد خدا، گرفته شده است. عیسی به عنوان خدا-انسان، سرشار از این ویژگی‌ها بود.

در واقع، آنقدر پر از آن که یوحنا می‌توانست از یکی از اغراق‌هایش استفاده کند و بگوید عهد عتیق در مقایسه صرفاً قانونی به نظر می‌رسد. شریعت از طریق موسی داده شد. فیض و حقیقت از طریق عیسی مسیح آمد.

در مقایسه با فراوانی آنها در عیسی، گویی قبلاً وجود نداشتند. که البته، از آنجایی که آنها یک عهد عتیق بودند، وجود داشتند. آنها ایده‌های عهد عتیق بودند.

، کلمه جسم گردید، آیه ۱۴، و در میان ما ساکن شد. و ما جلال او را، جلال الهی او را، شایسته پسر یگانه پدر، پر از فیض و راستی دیدیم. فیض، حقیقت و جلال، یوحنا ۱:۱۴ و ۱۷.

ابدیت، کولسیان ۱، می‌توانستند به راحتی یوحنا ۱، کولسیان ۱، و عبرانیان ۱ را انتخاب کنند. هر یک از این سه می‌توانستند اولین انتخاب من برای الوهیت مسیح باشند. اما من می‌خواستم قسمت‌های مربوط به زیرآموزه‌های مختلف مسیح‌شناسی را دسته‌بندی کنم، و به همین دلیل است که از نقطه شروع فقط عبرانیان ۱ را انتخاب کردم. همچنین، هر پنج اثبات را دارد که منحصر به فرد است، اما کولسیان ۱ بارها الوهیت مسیح را تعلیم می‌دهد.

اینجا می‌گوید که او ازلی است. او پیش از همه چیز بوده است، آیه ۱۷. همه چیز به واسطه او آفریده شد، آیه ۱۶، و برای او.

و او قبل از همه چیز وجود دارد. و در او، همه چیز به هم پیوسته است. این، قبل از همه چیز، به معنای زمانمند بودن است.

از نظر زمانی. او قبل از اینکه نماینده پدر در خلقت باشد، وجود داشته است. او قبل از خلقت وجود داشته است.

او ابدی است. او صفت الهی ابدیت را دارد. در مکاشفه فصل ۱ نیز همینطور است، که متأسفانه ما زیاد با آن کار نکرده‌ایم.

مکاشفه ۱:۱۷. وقتی او را دیدم، که ظهور پسر انسان، عیسی بود، مانند مرده به پاهایش افتادم. اما او دست «راست خود را بر من گذاشت و گفت: «نترس، من اول و آخر و زنده هستم

من مردم و اینک تا ابد زنده هستم. من اول و آخر هستم «از اشعیا است، این نوع زبان، و در آنجا برای» صحبت از یهوه در ابدیت او استفاده می‌شود. من اول و آخر هستم.

، جاهایی که به آنها نخواهیم پرداخت، اشعیا ۴۱.۴، ۴۴.۶، ۴۸.۱۲. اشعیا ۴۱.۴، ۴۴.۶، ۴۸.۱۲. در آنجا یهوه گوینده است، و در اینجا، پسر خدا از همان زبان خودش استفاده می‌کند. من اولین هستم، پس قبل از من کسی نیست. من آخرین هستم، پس بعد از من کسی نیست.

من خدای ابدی هستم، این معنی را می‌دهد. عیسی صفات خدا، فیض، حقیقت و جلال را دارد، یوحنا ۱:۱۴ و ۱۷. ابدیت، کولسیان ۱:۱۷، مکاشفه ۱:۱۷.

تغییرناپذیری، عبرانیان ۱:۱۱ و ۱۲. قدرت، فیلیپیان ۳. اول قرن‌تین ۱۵ به درستی به عنوان متن کلاسیک رستاخیز مؤمنان مشهور است. اما، در تحقیق در مورد آن برای یک پروژه کتاب، فهمیدم که فیلیپیان ۳:۲۰ و خلاصه‌ای موجز از همان حقایق قدرت مطلق خداوند هستند که با تبدیل بدن‌های فعلی، فانی، ضعیف و ۲۱ بی‌جلال ما به بدن‌های جاودانه و فسادناپذیر، قوم خود را برای زندگی ابدی در زمین جدید آماده می‌کند.

من باید در اسلاید اول هم از کلمه فسادپذیر استفاده می‌کردم. بدن‌های جاودانه، فسادناپذیر، قدرتمند و باشکوه، که چنان تحت سلطه روح القدس هستند که می‌توان آنها را بدن‌های روحانی توصیف کرد. آنها غیرمادی نیستند.

آنها مادی و معنوی هستند به این معنا که کاملاً تحت سلطه و کنترل روح هستند، روحی که ما را برای زندگی در زمین جدید مناسب می‌سازد. فیلیپیان ۳:۲۱ همین شایستگی را به پسر خدا نسبت می‌دهد. پولس می‌گوید که شهروندی ما، فیلیپی یک مستعمره رومی بود.

، سربازان رومی آن را تأسیس کردند و روم به آنها حقوق شهروندی بزرگی داد. پولس می‌نویسد، شهروندی ما خانه نهایی ما و وفاداری ما در آسمان است، در فیلیپیان ۳:۲۰، و ما از آسمان منتظر یک ناجی، خداوند عیسی مسیح، هستیم که بدن حقیر ما را دگرگون خواهد کرد تا مانند بدن باشکوه او شود. این بسیار شبیه به آن تضادها در اول قرن‌تین ۱۵ است.

بدن‌های فاسدشدنی، نابودشدنی، ضعیف، ننگین، فسادناپذیر، فناپذیر، قدرتمند، باشکوه. بدن فعلی، بدن رستاخیزی. در اینجا، خداوند عیسی مسیح، که از آسمان منتظرش هستیم، بدن حقیر ما را تبدیل خواهد کرد. تا مانند بدن باشکوه او شود. به این قدرتی که او را قادر می‌سازد همه چیز را مطیع خود سازد، بنگرید.

این قدرت رستاخیز است. این قدرت دگرگون‌کننده‌ای است که انسان‌های فانی را برای زندگی در زمین جدید مجهز خواهد کرد. در رومیان ۸، پولس می‌گوید که ما در بدن‌های فانی حیات جاودان داریم.

سپس، ما حیات جاودان در بدن‌های جاودان خواهیم داشت. چه کسی این کار را خواهد کرد؟ خدا، پدر، روح القدس، اول قرن‌تین ۱۵، و به طور قابل توجهی، پسر، فیلیپیان ۳:۲۱. عیسی صفات خدا را دارد.

باز هم، این یک قیاس منطقی است. ویژگی‌های خاصی وجود دارد که فقط خدا دارد. کتاب مقدس بسیاری از این ویژگی‌ها را به عیسی نسبت می‌دهد.

بنابراین، نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر این است که عیسی مسیح، خدای مجسم است. قدرتمندترین و رایج‌ترین حقیقت این است: اثبات الوهیت عیسی. عیسی کارهایی را انجام می‌دهد که فقط خدا انجام می‌دهد.

آفرینش، مشیت، رستگاری، داوری و کمال. و چهار مورد از این پنج عمل در عبرانیان ۱ آمده است. آفرین، چه متن پرباری. اتفاقات زیادی در حال رخ دادن است.

متن اصلی اثبات سه مقام مسیح، مقام سه‌گانه‌ی نبی، کاهن و پادشاه نیز نامیده می‌شود. و این استدلال محکم را مطرح می‌کند که انجیل حتی از شریعت نیز مهم‌تر است. همانطور که در سخنرانی قبلی دیدیم، جایی که آیات ۱ تا ۴ باب ۲ در مورد حقایق فصل اول صدق می‌کند، عیسی از واسطه‌های وحی در عهد عتیق، انبیا و فرشتگان، مهم‌تر است.

بنابراین، پیامی که او حامل آن است، یعنی انجیل، حتی از شریعت نیز مهم‌تر است. و ترک انجیل، داوری بزرگی را برای کسانی که آن را ترک می‌کنند، به ارمغان می‌آورد. البته، این کتاب در یک زمینه تاریخی نوشته شده است. تا مسیحیان یهودی مسلک را که برای فرار از آزار و اذیت سعی در ترک ایمان داشتند، مورد خطاب قرار دهد.

عیسی اعمال خدا را انجام می‌دهد، عبرانیان ۱:۲. در این روزهای آخر، خدا به وسیله پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز قرار داد و به وسیله او جهان را آفرید. خدای پدر، جهان را به وسیله پسر خود آفرید.

این کاری است که فقط خدا انجام می‌دهد - ای خدای من. همین حقیقت در آیه ۱۰ تعلیم داده شده است.

تو، ای خداوند، برخلاف فرشتگان که بندگان خدا هستند، تو، ای خداوند، در ابتدا زمین را بنیاد نهادی، و آسمان‌ها ساخته‌ی دست تو هستند، جایی که به مزمور ۱۰۲ آیات ۲۵-۲۷ به پیدایش ۱: ۱ گوش فرا دهید. به همین ترتیب، یوحنا ۱:۳ نیز قطعاً همین کار را می‌کند. در ابتدا کلمه بود.

کلمه با خدا بود. کلمه خود خدا بود. همان در ابتدا با خدا بود.

همه چیز به واسطه او آفریده شد، و بدون او هیچ چیز آفریده نشد. این یک زبان جامع است. شما نمی‌توانید بگویید، خب، همانطور که فرقه‌ها کتاب مقدس، به اصطلاح ترجمه دنیای جدید از به اصطلاح شاهدان یهوه، را اشتباه ترجمه می‌کنند، همه چیزهای دیگر توسط او آفریده شده‌اند.

نه، نه. این یک زبان جامع است. همه چیز، مثبت و منفی، هیچ چیز بدون او ساخته نشده است.

هیچ چیز دیگری وجود ندارد. هیچ راه دیگری برای گفتنش وجود ندارد. او همه چیز را آفرید.

هیچ چیز بدون او آفریده نشد، و او خود را نیافرید. او خالق است. بنابراین، او خداست.

این به عنوان خدای پیش از تجسم بود. او این کار را انجام داد. او خدا به عنوان کلمه، نور، پسر تجسم یافته است. کولسیان ۱، با زبانی بسیار متفاوت، همین را تعلیم می‌دهد: اینکه مسیح به طور جامع به عنوان خالق کل شبح تعیین شده است.

کولسیان ۱:۱۶. منظور از «نخست‌زاده» این است. او نخست‌زاده‌ی تمام آفریدگان است.

اوه، این یعنی خدا اول او را آفرید، همانطور که آریوس گفت، و بنابراین، از او برای خلق چیزهای دیگر استفاده کرد. به اصطلاح الهیات شاهدان یهوه، مسیح‌شناسی آریایی است که با چاشنی آن پخته شده است. و آنها حتی اکنون الهیات تاریخی دارند زیرا آریوس را به عنوان یک قهرمان اعلام می‌کنند.

این موضوع مرا ناراحت می‌کند، چون افرادی هستند که فریب آنها را می‌خورند. بسیاری از اوقات، مردم فقیر هستند. بسیاری از اوقات، مردم از مزایای آموزش و پرورش بهره‌مند نمی‌شوند.

قلبم اندوهگین است. به همین دلیل است که برای خدمت به فرقه‌ها دعا کردم. و این تا حدودی پاسخ داده شده است.

آیا یک خدمت سخت می‌خواهی؟ چطور می‌خواهی از پس هزینه‌های آن بریبایی؟ اما خب، مردم باید انجیل را بشنوند. خدای من. این معنای نخست‌زاده‌ی تمام آفرینش است.

معنای آن همان چیزی است که در مزمور ۸۹:۲۷ آمده است. من او را، مسیح، نخست‌زاده‌ی خود، بلندترین پادشاهان زمین خواهم ساخت. معنای آن همین است.

این به معنای برتری است. به معنای تحت‌اللفظی «اولین آفریده» نیست. یعقوب به معنای واقعی کلمه، نخست‌زاده «نبود، اما او حق نخست‌زادگی را به دست آورد و او نخست‌زاده شد، که از بین آن دو نفر» بالاترین مقام را داشت.

به همین ترتیب، عیسی نخست‌زاده، والاترین مخلوق کلی خواهد بود، زیرا همه چیز به وسیله او آفریده شد. در واقع، متن نشان می‌دهد که هدف این بوده است که نشان دهد در همه چیز، او می‌تواند برتر باشد، آیه. یعنی برتر از خلقت، آیات ۱۵-۱۷، و برتر از کلیسا، که بخشی از خلقت جدید است، آیات ۱۸-۲۰. ۱۸.

او در خلقت برتر است زیرا نماینده پدر در خلقت بود. این بار، به جای حرف اضافه از طریق، مانند عبرانیان و یوحنا ۱:۳، حرف اضافه در یا توسط است. به وسیله او، همه چیز آفریده شد ۱:۲.

به توصیف جامع همه چیز گوش کن. در آسمان و بر زمین. ای انسان، من قبلاً کجا چنین چیزی شنیده‌ام؟ پیدایش ۱:۱.

در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. پولس می‌گوید که پسر، نماینده پدر بود. مرئی و نامرئی.

هیچ دسته بندی دیگری وجود ندارد. پسر همه چیزهای مرئی و نامرئی را آفرید. این بدان معناست که به طور جامع، او همه چیز را ساخت.

ضمناً، آسمان‌ها و زمین از قبل جامع هستند. این یک روش عبری یهودی برای بیان همه چیز است. سپس چیزهای نامرئی کمی باز می‌شوند، چه تخت‌ها، سلطنت‌ها، حاکمان یا مقامات.

نوعی تمایز بین فرشتگان. ما دقیقاً نمی‌دانیم منظور چیست، رتبه یا هر چیز دیگری، اما تمایزاتی وجود دارد. پسر فرشته نیست.

پسر، فرشتگان را آفرید. پسر فرشته نیست، عبرانیان ۱. وقتی پدر، پسر نخست زاده اش را در عروج خود به جهان آسمانی می آورد و در دست راست خدا می نشیند، می گوید، بگذارید همه فرشتگان او را پرستند. فرشتگان، فرشتگان را نمی پرستند.

فرشتگان خدا را می پرستند. خدای پسر، خداست. متفاوت از پدر و روح القدس، اما برابر با آنها.

همه چیز به وسیله او آفریده شد. همه چیز در آسمان و زمین، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، چه تخت‌ها، چه فرمانروایان، چه فرمانروایان و چه اولیای امور، آفریده شدند. همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد.

این شامل شدن در محدوده یک آیه است، زیرا شروع و پایان آن یکسان است. او همه چیز را آفرید. در واقع حتی چیزهای بیشتری هم می گوید.

همچنین، همه چیز برای او آفریده شد، که دقیقاً همان معنای عبرانیان ۱:۲ و ۳:۱ و ۳ است، جایی که می گوید او وارث است. کمی بعد به این موضوع برمی گردیم. اما فعلاً، پسر کار آفرینش را انجام می دهد.

این تنها کار خداست. پسر در عهد عتیق پیوسته کار مشیت الهی را انجام می دهد. خدا نه تنها فقط خالق است، بلکه خدای مشیت الهی نیز می باشد.

مشیت الهی چیست؟ کاتشیزم وست مینستر شورتر. مشیت الهی مقدس ترین، حکیمانه ترین و قدرتمندترین اوست که همه مخلوقات و اعمال آنها را حفظ و اداره می کند. پیوریتن‌ها می دانستند درباره چه چیزی صحبت می کنند.

مشیت الهی دو زیرمجموعه دارد: حفظ و حکومت. او مقدس، حکیم و قدرتمند است و همه مخلوقات خود و همه اعمال آنها را حفظ و اداره می کند. حفظ به معنای نگهدارنده آسمانی بودن خداوند است.

او از خلقت خود نگهداری می کند. او از آن مراقبت می کند. او از آن پشتیبانی می کند.

حکومت یعنی او نه تنها این کار را انجام می دهد، بلکه آن را به سمت برنامه‌ها و اهداف و جلال نهایی خود نیز هدایت می کند. در عهد عتیق، خدا فقط این کار را انجام می دهد. در عهد جدید، پسر وارد عمل می شود.

ما آن را در دو جا می بینیم. عبرانیان ۱:۳. من هر بار اول به عبرانیان برمی گردم، حتی اگر ما را به یک مته شمشیر تبدیل کند، که با کتاب مقدس به این سو و آن سو شلاق می زند. عبرانیان ۱:۳. او درخشش جلال خداست، دقیقاً مظهر ذات اوست، و او جهان را با کلام قدرت خود نگه می دارد.

پسر، جهان هستی را برپا نگه می دارد. او نه تنها آن را ساخته، بلکه از آن پشتیبانی می کند. او از آن پشتیبانی می کند.

او نه تنها خدای خالق است، بلکه خدای مشیت نیز هست. کولسیان ۱ همین حقیقت را به زبانی متفاوت بیان می کند. ۱:۱۷.

او پیش از همه چیز وجود دارد. او مانند خدا ابدی است، و همه چیز در او به هم پیوسته است. فرهنگ لغت در واقع به معنای پایدار و پابرجا بودن است.

هم خلقت و هم مشیت را می بینند. من در مورد آن نمی دانم. او فقط خلقت suniste me آنها در این کاربرد را به آن آموخت، آیه ای بالاتر از آن، و شاید این آیه هر دو معنی این کلمه را داشته باشد، اما مطمئناً معنی دوم را دارد.

در او، همه چیز به هم پیوند می خورد. او همه چیز را با کلام قدرتمند خود نگه می دارد. به عبارت دیگر، عهد جدید به کارهای خدا که در عهد عتیق توصیف شده اند، ویژگی بیشتری می دهد.

پسر، نماینده پدر در خلقت است. پسر، به همراه پدر و روح القدس، کار الهی مشیت الهی را انجام می دهد. پسر شایسته ی پرستش و نیایش ماست.

جای تعجب نیست که او موضوع ایمان است زیرا پسر، کار رستگاری را انجام می دهد. عهد عتیق بسیار واضح است. رستگاری از آن خداوند است.

خب، رستگاری از چندین جهت به خداوند عیسی مسیح تعلق دارد، که از عبرانیان ۱:۳ شروع می شود. پس از تطهیر گناهان، او در دست راست جلال در اعلی نشست. پسر خدا تطهیر گناهان را انجام داد. البته، این مضمون برجسته و بسط داده شده است، در عبرانیان ۷ با تشبیه ملکیصدق-مسیح، و سپس ۸ با زبان عهد جدید، و ۹ و ۱۰ که از کفار به طور کامل در هیچ جای دیگر کتاب مقدس از نظر استعاره قربانی کاهنی صحبت نمی کنند، بیان شده است.

عیسی کاهن اعظم ما است و خود او قربانی است که خدا را خشنود و قوم او را تطهیر می کند. این موضوع به صورت هسته در فصل ۱ اشاره شده است. پس از تطهیر گناهان، او در دست راست جلال در اعلی نشست. فصل ۱۰ عبرانیان به ما اطلاع می دهد که این نشستن نشان می دهد که کار او به پایان رسیده است.

تمام شد. در خیمه هیچ اثاثیه ای برای نشستن کاهنان وجود نداشت. در عبرانیان ۱۱:۱۰، هر کاهنی روزانه می ایستد، عبرانیان ۱۰:۱۱، و هر کاهنی روزانه در خدمت خود می ایستد، خدمت الهی برای خدا به عنوان کاهن، و بارها همان قربانی ها را تقدیم می کند، که هرگز نمی تواند گناهان را از بین ببرد.

اما هنگامی که مسیح برای همیشه یک قربانی برای گناهان تقدیم کرد، در دست راست خدا نشست و از آن زمان منتظر ماند تا دشمنانش زیر پای او قرار گیرند. اشاره دیگری به مزمور ۱۱۰، زیرا با یک قربانی، عبرانیان، او کسانی را که تقدیس می شوند برای همیشه کامل کرده است. عبرانیان ۱:۳، پس از تطهیر گناهان، ۱۰:۱۴ در دست راست کبریا در اعلی علین نشست.

او یکی دیگر از آن اطنابها برای خداست. او در دست راست خدا، پدر، نشست. این به چه معناست؟ فصل دهم، با تفسیر آیات کتاب مقدس در مورد خود، به ما می گوید که کار او به پایان رسیده است.

هیچ کار دیگری برای کفار دادن وجود ندارد. بله، مسلمانان امروزه در برخی اعیاد حیواناتی را قربانی می کنند. این کار فایده ای ندارد.

برخی از یهودیان دوست دارند معبد بازسازی شود و دوباره حیوانات را قربانی کنند. اگر چنین چیزی ممکن باشد، فایده ای نخواهد داشت. زیرا عیسی، یک بار برای همیشه، با یک قربانی، کفار گناهان را پرداخت کرد و قربانی او به پایان رسید.

به خاطر جایی که او نشست، پدر قربانی او را پذیرفت. پس از تطهیر گناهان، او در دست راست خدا نشست. کار عیسی به پایان رسید.

این کامل است. خدا بیش از این نمی‌خواهد. در واقع، رومیان ۲۵:۳-۲۶، و بعداً در عبرانیان، می‌آموزیم که قربانی عیسی اساس بوده است، ۹:۱۵.

بنابراین، او واسطه‌ی عهد جدیدی است، به طوری که کسانی که فراخوانده شده‌اند، طبق عبرانیان ۹:۱۵ می‌توانند وعده‌ی میراث ابدی را دریافت کنند، زیرا مرگی رخ داده است که آنها را از گناهی که تحت عهد اول مرتکب شده‌اند، رهایی می‌بخشد. خدا سیستم قربانی را در عهد عتیق مقرر کرد، اما در نهایت خون گاوها و بزها گناه را از بین نبرد. خون، یعنی مرگ خشونت‌آمیز گاوها و بزها، اما آنها به نوعی گناه را از بین بردند، مگر نه؟ بله، خدا کسانی را که صادقانه گناهان خود را به خاطر آن حیواناتی که سپس به جای آنها مردند اعتراف کردند، بخشید، اما در نهایت، آن قربانی‌ها به بره خدا، یوحنا ۱، اشاره داشتند که به گفته‌ی باپتیست، گناهان جهان را از بین خواهد برد.

می‌بینید، عیسی، قربانی او تمام شده است. این کامل است، حتی اگر بخواهید، برای گناهان عهد عتیق نیز مفید است، و مؤثر است. اینجا جای خوبی برای بیان این مطلب است.

این مؤثر است، مؤثر است، حتی مفید است، عبرانیان ۹:۱۳، برای گناهی که تحت عهد اول مرتکب شده‌اند. قربانی‌های عهد عتیق مؤثر بودند، زیرا خدا آنها را از دیدگاه کار پسرش، اما آینده، می‌دید. هر کسی که به مسیح ایمان داشته باشد، می‌تواند بخشش گناهان را، صرف نظر از نوع گناه، به دلیل قربانی کامل، بی‌نقص و کاملاً مؤثر عیسی بداند.

تنها چیزی که می‌توانم در پاسخ به آن بگویم، هلولیاه است. بسیاری از جنبه‌های رستگاری به کار پسر خدا و شخص و کار پسر خدا نسبت داده می‌شود. این هم جای دیگری است که آنها مکمل یکدیگرند.

در یوحنا ۱:۱۲، یوحنا به نوعی انجیل خود را شرح می‌دهد. ما به قبل از ۱۲:۳۷ نگاه می‌کنیم. با اینکه او در حضور آنها معجزات زیادی انجام داده بود، آنها هنوز به او ایمان نمی‌آوردند.

به عنوان مقدمه‌ای بر آیات ۲۰:۳۰ و ۳۱، نشانه‌هایی که عیسی انجام داد در اینجا نوشته شده است تا شما ایمان بیاورید که او مسیح، پسر خداست، و با ایمان آوردن به نام او حیات جاودان داشته باشید. یعنی، آیه خلاصه‌ای از واکنش اکثریت به عیسی را که در کتاب نشانه‌ها، نیمه اول انجیل یوحنا، ثبت شده ۱۲:۳۷ است، بیان می‌کند و آن واکنش، ناباوری و طرد است. آیات ۲۰:۳۰ و ۳۱ هدف انجیل یوحنا را بیان می‌کند و به همین ترتیب، واکنش اکثریت را در نیمه آخر انجیل یوحنا خلاصه می‌کند، و آن ایمان نجات‌بخش است.

متأسفانه، یوحنا در آیات ۱۰:۱۲ و ۱۱ می‌گوید که نور حقیقی به جهان می‌آید، اما او در جهان بود و جهان از طریق او آفریده شد، اما جهان او را نشناخت. او به خانه‌ی خودش آمد، ببخشید، اما قوم خودش او را نپذیرفتند. یوحنا ابتدا پاسخ منفی می‌دهد، زیرا این پاسخ اکثریت است و به این دلیل که او انجیل را برای ما شرح می‌دهد.

یعنی، یوحنا ۱:۱۰ و ۱۱ با یوحنا ۱:۱۹ تا پایان ۱۲ مطابقت دارد. اما خداوند را برای یوحنا ۱:۱۲ و ۱۳ شکر کنید، که پاسخ بقیه انجیل یوحنا، فصل‌های ۱۲ تا ۲۰، و فصل ۲۱ به عنوان خاتمه را تشریح می‌کند. اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، به کسانی که به نام او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند. کسانی که از خون، نه از خواهش جسم، نه از خواهش انسان، بلکه از خدا متولد شدند.

اما برای همه کسانی که به نام عیسی ایمان آوردند، ایمان به شخص عیسی، که البته نام به جای شخص آمده است، که منبع آن در آن متن بزرگ در خروج ۳۴ یافت می‌شود، ایمان به نام، شخص و عمل عیسی، بخشش

گناهان را به همراه دارد، فرزندخواندگی را در چارچوب اول یوحنا به ارمغان می‌آورد، که ریشه در آیه بعدی در تجدید حیات پدر دارد. پسر خدا نجات می‌دهد. آن کار، کاری است که فقط خدا انجام می‌دهد، ۱۳.

ما آن را در کولسیان ۱، تصویر دیگری از نجات، می‌بینیم. یکی از شش مضمون بزرگ کفاره، آشتی است. ما آن را در ۱:۱۹ می‌بینیم که زمینه را برای تمام کمالی که خدا از ساکن شدن در او خشنود بود، فراهم می‌کند. کولسیان ۱:۱۹.

و خدا به وسیله او خشنود گشت که همه چیز را، چه بر زمین و چه در آسمان، با خود آشتی دهد و به وسیله خون صلیب او صلح برقرار سازد. و شما ای کولسیان که زمانی از هم بیگانه بودید و با هم دشمنی می‌کردید و اعمال بد انجام می‌دادید، اکنون او شما را در بدن جسمانی خود به وسیله مرگ خود آشتی داده است. توجه کنید، به وسیله خون صلیب او، ۲۰، در بدن جسمانی خود به وسیله مرگ خود

این یک اشاره‌ی عشای ربانی به خون و بدن پسر خداست که قربانی بی‌نظیر او را در جلجتا جشن می‌گیرد، هدف خدا در آیه ۲۲ تقدیس نهایی است که تنها توسط کسانی که در ایمان نجات‌بخش تا انتها، آیه ۲۳ استقامت می‌کنند، قابل دستیابی است. متون دیگر، نه آن یکی، به ما اطمینان می‌دهند که کسانی که ایمان دارند، استقامت خواهند کرد زیرا خدا آنها را حفظ می‌کند.

با این وجود، تنش میان حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی در اینجا نیز احساس می‌شود، جایی که بر مسئولیت انسانی تأکید می‌شود. مؤمنان باید تا پایان استقامت کنند تا از آشتی ابدی بهره‌مند شوند. جاهای دیگر به دلیل فیض الهی که آنها را حفظ می‌کند، تعلیم می‌دهند و آنها تا پایان استقامت خواهند کرد.

این در اینجا تعلیم داده نشده است، اما در جاهای دیگر، حتی در نوشته‌های پولس، تعلیم داده شده است. کولسیان ۱:۱۳ و ۱۴ نیز تعلیم می‌دهد که عیسی نیز همین کار را انجام می‌دهد، کار نجات‌بخش خدا. پدر ما را از قلمرو تاریکی رهایی بخشیده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرده است، که در او ما رستگاری، حتی بخشش گناهان را داریم.

اگر انجام کارهای خدا توسط عیسی، رایج‌ترین و شاید قدرتمندترین دلیل از پنج دلیل تاریخی الوهیت اوست، یعنی منجی بودن عیسی، انجام تنها کاری که نجات‌بخش است، هدف ایمان نجات‌بخش بودن، حفظ قوم خدا، و همه این موارد، شاید این قدرتمندترین جنبه فرعی انجام کارهای خدا توسط عیسی باشد. ارزیابی این موارد دشوار است، اما این همیشه فوق‌العاده است.

ایمان عمومی نجات‌بخش نیست، بلکه ایمان به مسیح است. پولس به زندانبان فیلیپی گفت، به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاور، و تو و خانواده‌ات نجات خواهید یافت. داوری، این یکی در عبرانیان ۱ نیست. متی تا ۴۶، قدرتمندترین متن واحد در مورد آموزه جهنم در کتاب مقدس است، که آیه آخر آن بیشترین ۲۵:۳۱ تأثیر را بر آنچه ما آموزه سرنوشت ابدی می‌نامیم، گذاشته است.

متی ۲۵:۴۶، و اینها به عذاب ابدی خواهند رفت، اما صالحان به حیات ابدی. پیش از این، سنت آگوستین حدود سال ۴۰۰، گفته است که صفت ابدی برای سرنوشت بزها و گوسفندان یکسان استفاده می‌شود. آیا این دو معنی متفاوت دارد؟ نه، دو معنی متفاوت ندارد.

aionios به معنای عمر طولانی است، با تعریفی که از عمر در متن می‌شود. در اینجا aionios خود کلمه ابدی با حیات ابدی تعریف می‌شود. آیا آن را محدود می‌کنید؟ من شنیده‌ام که مردم می‌گویند هیچ‌کس هرگز آن را محدود نکرده است.

خب، بله، یک نفر این کار را کرد. ویلیام ویستون، یک طرفدار نابودی، اتفاقاً از دانشمندان اولیه بود که فکر می‌کرد شهاب‌ها و از این جور چیزها، دنباله‌دارها، این کلمه است، که شروران روی دنباله‌دار قرار می‌گیرند و سوزانده می‌شوند. او گفت که می‌خواهد مجازات ابدی را محدود کند، و همچنین زندگی ابدی را محدود کرد.

او ثابت قدم بود، اما این حرف پوچ است. سنت آگوستین درست می‌گوید. حیات ابدی، حیات خداست که به عصر جدید، آسمان‌های جدید و زمین جدید مربوط می‌شود.

آن پایانی ندارد، و بنابراین، بنابراین، مجازات ابدی نیز پایانی ندارد. این یک متن شگفت‌انگیز و قوی است. هنگامی که پسر انسان در جلال خود و تمام فرشتگانش با او می‌آید، آنگاه تو بر تخت باشکوه او خواهی نشست.

در حضور او، تمام ملت‌ها جمع خواهند شد و تو مردم را از یکدیگر جدا خواهی کرد، همانطور که یک چوپان گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. در اینجا الگویی وجود دارد. این به این شکل است.

آیه ۳۲، گوسفندان، بزها، الف، ب. آیه ۳۳، گوسفندان، بزها، الف، ب، تکرار شده است. سپس از آیات ۳۴ تا ۴۰، از کلمه گوسفند استفاده نمی‌کند، اما در کل از گوسفندان صحبت می‌کند. سپس از آیات ۴۱ تا ۴۵، از کلمه بزها استفاده نمی‌کند، اما در کل از بزها صحبت می‌کند.

بنابراین، اینجا صحبت از گوسفند، بز، گوسفند، بز، گوسفند به طور گسترده، بز به طور گسترده است. آیه آنها را به شدت معکوس می‌کند. بعد از سه بار گفتن گوسفند، بز، یا بار سوم نشان دادن آن، نگویید، او ۴۶ می‌گوید سپس اینها، منظورش افرادی است که ما همین الان در موردشان صحبت کردیم، بزها، بدون استفاده از کلمه، به عذاب ابدی خواهند رفت، اما صالحان به حیات ابدی.

نکته‌ی کلیدی این است که عیسی این دو، یعنی گم‌شدگان و نجات‌یافتگان را به شیوه‌ای قدرتمند، معکوس می‌کند. تا این کلام، یعنی حیات جاودان، بر لبان ما بماند. چه کسی این کار داوری را انجام می‌دهد؟ پسر انسان، خداوند عیسی مسیح است.

به کسانی که در سمت راست او هستند، یعنی گوسفندان، خواهد گفت: «بیاید، این آخرین دعوت است. بیاید، ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته‌اید، پادشاهی‌ای را که از آغاز جهان برای شما آماده شده است، به ارث ببرید.» سخنان بعدی آنها را شگفت‌زده می‌کند.

آنها نمی‌دانستند که خدا کارهای نیک آنها را زیر نظر دارد، و در واقع، اعمال آنها واقعیت ایمانشان به او را نشان می‌داد. او کسی است که سرنوشت ابدی را برای مردم تعیین می‌کند. این روش صحیح گفتن آن است. تعیین سرنوشت.

آن سرنوشت‌ها از قبل توسط اعمال گناه‌آلود گمراهان تعیین شده بودند. از سوی دیگر، در آیه ۴۱، این پسر انسان بازگشته است، این خداوند عیسی است که داوری می‌کند زیرا به کسانی که در سمت چپ او هستند می‌گوید: از من دور شوید، ای ملعون، ای مبارک، ای ملعون، به آتش ابدی، به پادشاهی پدر، به آتش ابدی، و به تضادی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است. مکاشفه ۲۰ بسیار واضح است که به معنای مجازات آگاهانه ابدی است.

مکاشفه ۲۰ و آیه ۱۰، و ابلیس که آنها را فریب داده بود به دریاچه آتش انداخته شد، جایی که وحش و پیامبر دروغین انداخته شده بودند، و همه آنها رنج می‌کشند. من باید دقیقاً زبان را درست بیان کنم. و ابلیس که آنها

را فریب داده بود به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که وحش و پیامبر دروغین بودند، و آنها تا ابد و ابد شب و روز عذاب خواهند کشید.

این داوری‌ای است که شیطان تجربه خواهد کرد. عیسی در متی ۲۵:۴۱ گفت: از من دور شوید، به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است. اگر این متن را با مکاشفه ۱۰:۲۰ مقایسه کنید، درک این موضوع دشوار نیست، و حتی همین جا، آیه ۴۶، قدرتمندترین آیه‌ای است که کلیسا را به اعتراف به ابدی بودن هر دو سرنوشت سوق داد.

پسر کار داوری را انجام می‌دهد، آنقدر که در انجیل یوحنا نیز به این موضوع اشاره شده است؛ عیسی استدلال می‌کند که پسر سزاوار همان احترامی است که پدر دارد و یکی از استدلال‌های او برای رسیدن به این نتیجه این است. آیه ۲۱، همانطور که پدر مردگان را زنده می‌کند، یوحنا ۵:۲۱، و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد حیات می‌بخشد. پدر بر هیچ کس داوری نمی‌کند، بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است، تا همه پسر را احترام کنند، همانطور که پدر را احترام می‌کنند.

پسر احترام نگذارد، به پدری که او را فرستاده است احترام نگذاشته است. در واقع، این دوباره یکی از اغراق‌های یوحنا است، زیرا اگر آیات مربوط به داوری را مطالعه کنید، که باور کنید من این کار را کرده‌ام، دیگر کتاب‌هایی را که در مورد آموزه جهنم نوشته یا ویرایش کرده‌ام، فراموش کرده‌ام. خوشبختانه، چند کتاب در مورد بهشت نوشته‌ام، که این یک نعمت بود.

به هر حال، نیمی از آیات، داوری را به پدر و نیمی دیگر را به پسر نسبت می‌دهند. اگر بخواهم به طور سیستماتیک اظهار نظر کنم، اگرچه هیچ آیه‌ای داوری را به روح القدس نسبت نمی‌دهد، می‌گویم از آنجایی که خدا تثلیث مقدس است، داوری کار تثلیث مقدس، به ویژه پدر و پسر است. اما وقتی یوحنا می‌گوید خدا تمام داوری را به پسر داده است، مطمئناً پسر کار داوری را انجام می‌دهد، که تنها کار خداست.

او، من اول قرن‌تین ۶ را می‌شناسم. مگر نمی‌دانی که قرار است فرشتگان را داوری کنیم؟ این آیه گیج‌کننده‌ای است. مطمئناً به این معنی نیست که قرار است بر تخت خدا بنشینیم و مردم را داوری کنیم. من واقعاً از دیدن یکی از تفسیرهای مورد علاقه‌ام بر اول قرن‌تین نوشته شامپا و روزنر که می‌گوید منظور این است که ما قرار است به داوری خدا آمین بگوییم، خوشحال شدم.

این دقیقاً همان چیزی است که من سال‌ها فکر می‌کردم و تدریس می‌کردم، و واقعاً از حمایت آنها در این زمینه خوشحال بودم. قضاوت ما در مورد فرشتگان به این معنی نیست که ما جای خدا را می‌گیریم، بلکه ما در تیم خدا هستیم. و در آن روز، گناه را واضح‌تر و عدالت خدا را واضح‌تر و قضاوت خدا را واضح‌تر خواهیم دید.

ما او را به خاطر فیضش جلال خواهیم داد، و او را به خاطر داوری‌اش جلال خواهیم داد. و فرشتگان را به این معنا داوری خواهیم کرد که با محکومیت شیطان و دیوهایش توسط خدا موافق باشیم. دوم تسالونیکیان ۱ قدرتمندترین متن پولس در مورد جهنم است.

و حدس بزنید قاضی کیست؟ درست حدس زدید، خداوند عیسی مسیح. دوم تسالونیکیان ۱. این تسالونیکیان در حال تحمل جفا بودند. پولس در دوم تسالونیکیان ۱:۵ می‌نویسد: آیه ۵، این گواهی بر داوری عادلانه خداست، تا شما شایسته پادشاهی خدا شوید، پادشاهی‌ای که برای آن نیز رنج می‌کشید.

در واقع، خدا این را عادلانه می‌داند که کسانی را که شما را به مصیبت دچار می‌کنند، مجازات کند و به شما که گرفتار هستید، نیز آرامش عطا فرماید. و این زمانی است که این اتفاق به معنای واقعی کلمه رخ خواهد داد. هنگامی که خداوند عیسی از آسمان با فرشتگان قدرتمند خود ظاهر شود، آتش را شعله‌ور کند و از کسانی که خدا را نمی‌شناسند و از انجیل خداوند ما عیسی اطاعت نمی‌کنند، انتقام بگیرد، آنها به مجازات هلاکت ابدی

دور از حضور خداوند و از جلال قدرت او دچار خواهند شد، زمانی که او در آن روز می‌آید تا در مقدسین خود جلال یابد و در میان همه کسانی که ایمان آورده‌اند، شگفت‌زده شود.

وای. این مفصل‌ترین متن پولس در مورد جهنم است. اگرچه او اغلب از خشم خدا صحبت می‌کند، اما در اینجا این مفهوم را گسترش می‌دهد و آن را با ظهور مجدد عیسی مرتبط می‌کند تا به مسیحیان تحت آزار و اذیت آرامش بخشد و حقانیت را به ارمغان بیاورد.

پولس به روشنی آنچه را که ما داوری تلافی‌جویانه می‌نامیم، تعلیم می‌دهد. مسیح بازگشته، آیه ۸، انتقام می‌گیرد. او مردم را مجازات می‌کند.

در آیه ۶ آمده است. خداوند مجازات کسانی را که شما را به مصیبت دچار می‌کنند، عادلانه می‌داند. داوری در جهنم، نه راه چاره است و نه آموزنده. این خشم خداوند است که به صورت انتقام داده می‌شود.

این عدالت تلافی‌جویانه است که خدا را برای همیشه جلال خواهد داد. این یک حقیقت جدی است. و من به یاد کسانی می‌افتم که در انجیل یوحنا می‌گویند پدر، پسر را نفرستاده تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان از طریق او نجات یابد.

این یوحنا ۳:۱۷ و ۱۸ است، درست بعد از یوحنا ۳:۱۶. بنابراین، قلب خدا نجات گناهکاران است. اما در نهایت، خدا پیروز خواهد شد و شکست نخواهد خورد.

و خدا در سرنوشت هر فرد تبرئه و جلال خواهد یافت. این یک جمله سخت است. این تمام حقیقت نیست.

این حقیقت نهایی است. در عین حال، خدا جهان را دوست دارد. خدا پسرش را می‌فرستد.

خدا می‌خواهد که ما گناهکاران را دوست داشته باشیم، انجیل را با آنها در میان بگذاریم و برای نجات آنها دعا کنیم. شکی نیست که کسی که در دوم تسالونیکیان ۱ داوری را انجام می‌دهد، همان خداوند عیسی مسیح است که بازمی‌گردد. در واقع، همانطور که می‌بینید، عیسی کارهای خدا را انجام می‌دهد.

او خلق می‌کند. او حفظ می‌کند. این کار مشیت الهی است.

او رهایی می‌بخشد. او داوری می‌کند. او به کمال می‌رساند.

عبرانیان ۱:۲. حالا می‌دانی چرا عبرانیان را انتخاب کردم. ای مرد، چه متن پرمحتوایی. پسر کسی است که خدا در روزهای آخر به طور قطعی با ما صحبت کرد، او را وارث همه چیز قرار داد و از طریق او جهان را نیز آفرید.

ما ایده دوم را بررسی کرده‌ایم، اما ایده اول وجود دارد. در واقع، خدا ترتیب را برعکس می‌کند. او وارث است. و او خالق مشترک است.

هم امگا هست و هم آلفا. هم پایان و هم آغاز. A. هست و هم Z. داره چیکار می‌کنه؟ داره نشون می‌ده که هم هم همه چیز در همه چیز.

وقتی گفته می‌شود که او وارث است، منظور این است که همه چیز در نهایت به او خواهد رسید. او همه چیز را به کمال خواهد رساند و در آن کمال جلال خواهد یافت. عیسی مسیح وارث است.

آیا می‌توان این را در مورد هر انسانی گفت؟ خب، ما وارثان خدا هستیم و به مسیح پیوسته‌ایم، اما نه به این معنا. این یک معنای والاتر است. یک معنای بزرگتر است.

این یک حس نهایی‌تر است. و این حس منحصرأً به پسر تعلق دارد. او وارث است.

کمال از آن اوست. بار دیگر، کولسیان ۱ از زبان متفاوتی استفاده می‌کند، اما همان معنی را دارد. ۱:۱۶ از کولسیان.

زیرا به وسیله او همه چیز آفریده شد، آسمان و زمین، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، و فرقی بین فرشتگان نیست، همه این زبان برای او، با نویسنده‌ی «auton» ... را او آفرید. همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد. این عبرانیان که عیسی را وارث نهایی می‌نامد، همپوشانی دارد.

مسیح نه تنها نماینده خدا در خلقت است، بلکه همانطور که در ۱:۱۷ می‌بینیم، خلقت را نیز حفظ می‌کند و او پایان خلقت است. همه چیز برای او آفریده شده است، یعنی برای اهداف و جلال نهایی او. او وارث است.

او به عنوان خدای پسر که پسر انسان شد، وارث همه چیز خواهد بود. او خالق، خدای مشیت، نجات دهنده، داور و بله، او همچنین تکمیل کننده است. کتاب مقدس الوهیت مسیح را فریاد می‌زند.

در سخنرانی بعدی‌مان، به پنجمین اثبات تاریخی الوهیت او، یعنی اینکه پرستش الهی متعلق به اوست، خواهیم پرداخت و پس از آن، به برخی از مشکلات، به اصطلاح کالوینیستیکوم اضافی و کنوسیس و نظریه‌های کنوتیک خواهیم پرداخت. اما فعلاً، آن را جمع‌بندی می‌کنیم.

این سخنرانی دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد مسیح‌شناسی است. این جلسه شماره ۱۴ سیستماتیک، الوهیت مسیح، عبرانیان ۱، ۵ اثبات و متون دیگر، ویژگی‌ها و اعمال است.